

بخش دوم

خیزش چین در کارزار ستراتیژیک

انرژی و جیوپولیتیک

1- عوامل داخلی و اوضاع خارجی :

در دو دهه اخیر اقتصاد چین به صورت سرسام آوری چنان پیشرفت کرده که تولیدات عظیم این کشور، ممالک صنعتی اروپا و امریکا و اینک دول سرمایه داری آسیایی را به صورت مستدام در یک کارزار بزرگ اقتصادی، کارزاری که منابع انرژی آنرا نفت و گاز می سازد، به مصاف می طلبد. این پیشرفت اقتصادی که آینده آن به همین منابع انرژی وابسته است، از یک جانب ضرورت چین را به نفت و گاز چنان بالا برده که نظیر آن در دهه های گذشته دیده نشده است. از جانب دیگر منابع نفت و گاز چین به هیچ وجه ضرورت این کشور را حتی در مدت کوتاه نیز تکافو نمی کند. اگر چه باری آژانس سینهوا در سال 2004 میلادی اطلاع داد که : « در شمالغرب چین منابع عظیم نفت و گاز کشف شده اند که مقدار آن بالاتر از مجموع مقادیری تخمین زده می شود که در دهه گذشته پیدا گردیده است » (1). اما اوضاع نا مساعد جیولوجیکی استخراج نفت و گاز این منطقه را مشکل و بهره برداری ازین منابع را پر خرج ساخته است.

همچنین استفاده از منابع بسیار غنی ذغال سنگ این کشور که چین را بزرگترین کشور استخراج کننده ذغال سنگ در سطح جهان قرار داده، نا مناسب است. زیرا در اثر سوخت ذغال سنگ گازات مضر و آلاینده مثل ترکیبات سلفر و

کاربن دای اوکساید آزاد گردیده و موجب بارانهای زهری می شود که این خود باعث تخریب محیط زیست می گردد. چون درین کشور قوانین صیانت از محیط زیست و به کاربرد تجهیزات ضد این نوع گازات در بخش صنعت، چنانکه در اروپای غربی رایج است؛ وجود ندارد، از این روست که تا حال 40 درصد (2) از زمین های زراعتی این کشور زهری و تخریب شده است. و این در حالیست که به اساس قرارداد کیوتو در رابطه با صیانت از محیط زیست که در سال 2005 میلادی مرعی الاجراء گردید، کشور های صنعتی باید افزایشات چنین گازات مضر را تقلیل دهند. اگر چه چین، همانند اضلاع متحده امریکا، این قرارداد را تا هنوز امضاء نکرده است، با آنها ازین ناحیه زیر فشار جامعه بین المللی قرار دارد. گذشته ازین چین نمیتواند در مدت دراز استخراج ذغال سنگ را مستدام از بودجه دولت تمویل نماید. زیرا این مساله برای دولت مصرف فزاینده ای را بار می آورد.

همچنین به باور مفسران اقتصادی تولید نیروی برق آبی هم در چین به خاطر اشکال در صیانت از محیط زیست بدیل خوبی نیست، چنانکه به باور متخصصان غربی "بند برق سه تنگنا" که در منطقه ینگسه بناء می شود و یکی از بزرگترین پروژه های جهان محسوب می گردد، به این خطر مواجه است که به زودی از ترسبات پر شود (1). علاوه برین خریداران برق این پروژه بزرگ بر تعهدات قبلی خویش وفادار نمانده در مورد قیمت برق ترازو به زمین می زنند.

از جانب دیگر مصارف نفت و گاز در چین با جمعیت 1,2 میلیارد انسان و با رشد عظیم اقتصادی که تا ده در صد در سال بالا رفته به صورت سرسام آور و روزافزون شدت یافته است. اهمیت این موضوع در آنست که ثبات داخلی

چین به پیشرفت های اقتصادی وابسته بوده که این خود به اقتصاد نفت و گاز وابستگی دارد. تنها در مورد گاز چنان پیشبینی می شود که ضرورت به آن در چین و هند به صورت حیرت آور تا سال 2010 میلادی بین 20 تا 30 ملیون تن افزایش یافته و تا سال 2015 این مقدار به سه برار برسد (2). به باور مفسران سیاسی تعویض منابع انرژی به صورت مثال از ذغال سنگ به گاز تنها در چین و هند، انقلابی را در آسیا در بخش انرژی موجب شده و رقبای بین المللی را در عرصه ستراتژی انرژی و جیو پولیتیک به مبارزه می طلبد. با حفظ اینکه منابع نهایت عظیم گاز اندونیزیا و سنگاپور زمینه صیانت بهتر از محیط زیست را در کشور های حوزه جنوبشرقی آسیا در قبال دارد. زیرا سوخت گاز در مقایسه با سوخت ذغال سنگ محیط زیست را بسیار کمتر آلوده میسازد.

چنانکه تذکر داده شد استفاده از منابع خودی نه تنها به هیچ وجه ضرورت داخلی چین را تکافو نمی کند، بلکه از جانب دیگر ایجاب سرمایه گذاریهای هنگفت را در بخش زیر بنا های اقتصادی نیز می نماید. و این در حالیست که توسعه این زیربنا ها اکنون به صورت اغلب به حد نهایی خود رسیده است. به قسم مثال در بخش مواصلات. چون سرمایه گذاری در بخش زیر ساخت های اقتصادی مثل فابریکات و صنایع به انرژی ضرورت دارد، بنا بر همین دلایل است که دولتمداران چین انکشاف اوضاع را به دست سرنوشت نداده، بلکه خود را ناگزیر از آن می بینند که این پیشرفت عظیم و سریع را بیشتر از پیش با نفت و گاز تامین کنند، تا مبادا خود قربانی این پیشرفت های سرسام آور اقتصادی گردند.

همین اکنون مقدار زیاد نفت مورد ضرورت چین از شرق میانه تورید می گردد که قیمت آن در اثر جنگ و تروریزم به عمد بالا نگهداشته شده است. گرچه دولت چین با 450

میلیارد دلاری که تنها در خارج از کشور ذخیره پولی دارد و این بلندترین ذخیره پولی جهان است، می تواند ازدیاد قیمت نفت را تا مدتی تحمل کند (3). ولی نمیتواند کاهش آن مقدار نفتی را که برای پیشبرد اقتصاد کشور تضمین کرده، تحمل نماید. در صورت کمبود نفت، رشد اقتصادی آن کشور که چرخهای اقتصادی باقی مناطق آسیا را در حرکت می آورد، به صورت حتمی به کنده مواجه خواهد شد. بنا بر آن ضرورت انرژی، سیاسیون و دولتمداران چینی را در جست و جوی کشور های فروشنده نفت و گاز کشانیده است. برای چین بهترین بدیل استفاده اعظمی حتی المقدور از منابع نفت و گاز از خارج کشور است. ازینروست که برای مقدمات این مأمول، چین در نظر دارد که با اعمار شبکه پایپ لاین داخلی مناطق صنعتی شمالشرقی، مرکزی و جنوبی را با هم پیوند بزند. موقعیت مناسب جغرافیایی چین این کشور را از چهار طرف به مناطق نفت و گاز خیز خارج وصل کرده است. به همین دلیل است که چین می خواهد ازین موقعیت مناسب استفاده کرده از سمت های مختلف نیازمندی های انرژی خود را طوری تضمین و تامین نماید، که در صورت بروز بحرانهای امنیتی در یکی از جهات، بتواند کمبود انرژی را از جهت دیگر پیوسته رفع نماید. این مساله برای چین به خاطر آن اهمیت بیشتر کسب می کند که ضرورت چین به انرژی به گونه مثال به گاز سالانه 15 در صد افزایش می یابد. بدین ترتیب چین تا سال 2015 میلادی حدود 40 در صد ضرورت گاز خود را باید از خارج وارد نماید.

چنانکه یادآوری گردید چین به منابع انرژی خارج کشوری نیاز دارد، منابعی که در مقیاس جهانی تا حدود زیادی زیر نظارت کشور های رقیب، منجمله کشور های غربی و در رأس آن اضلاع متحده امریکا، قرار دارد. لذا دولت چین در

نظر دارد که درین رابطه خود را از چنبره نفوذ امریکا و سایر رقباء بیرون کشیده و ناگزیر منابع و راههای جدید انتقالاتی مواد نفتی را که اقتصاد چین به شدت بدان وابسته است، جست و جو کند. از همین روست که چین در آسیا، افریقا و امریکای لاتین در رقابت با روسیه، کشور های غربی و در رأس آن اضلاع متحده امریکا و غیره قرار گرفته است. به قسم نمونه در حوزه جنوب و جنوبشرق آسیا در برابر شرکت های غربی، جاپان، کوریای جنوبی، تایوان و امریکا به جنبش درآمده است. این فعالیت های چین به ویژه در آسیای میانه، ایران و پاکستان، بالای اوضاع افغانستان تأثیر می گذارد.

2- فعالیت های چین در مناطق نفت و گاز خیز جهان :

خیزش اقتصادی چین نه تنها در اروپا چشمگیر است، بلکه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیز به خوبی مشاهده می گردد، به خصوص در مناطقی که مواد خام برای فروش عرضه می شود. ازین خاطر است، که کشور های این سه قاره علاوه بر جهان غرب مرادوات و معاملات اقتصادی روز افزون با چین را نیز در دستور کار خود قرار داده اند. با همچو معاملات، چین حکومتات و شرکت های کشور های غربی را درین سه قاره تا جایی به عقب زده و نفوذ خویش را توسعه داده است. همان طوری که کشور های غربی از طریق ان جی او (N.G.O.) ها، انستیتوت های بین المللی پولی و شرکت ها در امور داخلی کشور های جهان سوم به صورت علنی مداخله می کنند، چین هم به صورت مستقیم از طریق معاملات اقتصادی با حکومتات کشور های در حال توسعه اقتصادی در سطح جهان در تلاش این معامله است (4).

چنانکه یادآوری شد منابع انرژی جهان به صورت اغلب زیر کنترل کشور های غربی و در رأس آن اضلاع متحده

امریکا قرار دارد، بنا بر آن چین در صدد آن است که در قدم اول در کشور هایی که با اضلاع متحده امریکا روابط خوب ندارند، مناسبت بر قرار نماید، به ویژه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین. چنانکه چهل در صد سرمایه گذاری چین در امریکای لاتین و مقدار هنگفت دیگر در افریقا صورت می گیرد (10). شرکت های نفتی چینیایی سی ان پی سی¹، زینوپیک² و سی ان او او سی³ در 18 کشور افریقایی در معاملات نفتی، حضور دارند به گونه مثال در نایجریا، انگولا، سودان، الجزایر، گابون و غیره. شرکت های نفتی چین تنها در سودان 2 میلیارد دالر سرمایه گذاری کرده اند و ازین درک 5 در صد نفت مورد نیاز چین را وارد می کنند (4). هکذا چین با کشور زمبابوی که با کشور های غربی مناسبت دوستانه ندارد، مناسبات اقتصادی برقرار کرده است.

همچنین این سه شرکت بزرگ نفتی چینیایی در امریکای لاتین سرگرم معاملات نفتی اند، منجمله در کشور های وینزوویلا، پیرو، اکوادور، ارجنتاین و بولیویا. گذشته ازین چین در برازیل در بخش های دیگر اقتصادی سرمایه گذاری کرده است. از این که قضایای افریقا و امریکای لاتین درین رابطه بالای حوادث افغانستان تأثیر مستقیم ندارند، درین نوشته مورد مذاقه قرار نمی گیرند. و اما چون این فعالیت چین در آسیا بخصوص در شرق میانه و آسیای میانه در رابطه با قضایای افغانستان از اهمیت خاص خود برخوردار است، لذا درین رابطه اندکی بر آنها مکث می گردد.

¹ CNPC: China National Petroleum Corporation

² Sinopec

³ CNOOC: China National Offshore Oil Cooperation

3- تقلاى چین در مناطق نفت و گاز خیز آسیا :

چین از سال 2002 به این طرف در صدد آن شده که در شرق میانه نفوذ بیشتر داشته باشد تا ازین طریق ضرورت انرژی خود را تامین و تضمین نماید. جست و جوی منابع انرژی در شرق میانه از یک سو زمینه همکاری این کشور را با کشور های شرق میانه مهیا ساخته و از سوی دیگر رقابت چین را با اضلاع متحده امریکا برانگیخته و منافع ستراتیژیک امریکا را تهدید می کند. این نفوذ روزافزون چین در شرق میانه رویارویی نظامی این کشور را با اضلاع متحده امریکا محتمل می گرداند، زیرا چین به هر وسیله ممکنه دست خواهد زد تا از منابع انرژی شرق میانه و آسیای میانه حد اکثر استفاده را نماید (5).
چند مثال زیر تقلاى چین را در آسیا، به عنوان اندک نمود بسیار، روشن می کند :

- چین در اکتوبر سال 2004 میلادی قراردادی را با ایران امضاء کرد که به اساس آن این کشور در سکتور نفت و گاز در ایران 100 میلیارد دالر سرمایه گذاری می کند (4). همین حالا سیزده در صد نفت ضرورت چین از ایران وارد می گردد (10).
- همین اکنون چین مصروف اعمار یک بندرگاه بزرگ نفتی در گوادر پاکستان می باشد تا از طریق پایپ لاین، نفت شرق میانه را به چین انتقال دهد (6).
- در آسیای میانه شرکت نفتی سی ان پی سی، شرکت نفتی پتروکز را در اکتوبر 2005 خرید (7).
- شرکت سی ان او سی چینایی در برما فعالیت می کند تا راههای انتقال نفت را هموار نماید (3).

- شرکت های نفتی چینی در بنگلادیش، افغانستان و پاکستان راه های تمدید پایپ لاین را ارزیابی می کنند (3).
 - شرکت های چینی در جنوب سریلانکا بندرگاه بزرگ نفتی اعمار می کنند (3).
 - چین طرح حفر کانالی را در خاک تایلند به خاطر انتقال نفت آماده کرده که اهمیت کانال پانامه را حایز می گردد. مصارف این کانال که اوقیانوس آرام را با بحر هند وصل می کند 30 میلیارد دالر پیش بینی شده است (3).
 - این کشور در بحیره چین در مقابل جاپان، کوریای جنوی و تایوان استخراج نفت و گاز را آغاز کرده است. در گذشته جاپان، کوریای جنوبی و تایوان از ذخایر بحیره چین زیادترین مقدار گاز را بی درد سر استخراج می کردند. لیکن اینک چین به حیث رقیب هر سه کشور مذکور وارد صحنه گردیده است.
 - شرکت های نفتی چین در معاملات گاز با کشور های حوزه جنوبشرق آسیا مثل اندونیزیا، مالیزیا، سنگاپور و برونای وارد معامله شده است.
- برای روشن شدن موضوع چند مثال مختصر از آسیا آورده می شود و در اول از جنوبشرق این قاره.

3-1- حوزه جنوبشرق آسیا :

در حوزه جنوب شرق آسیا کشور های اندونیزیا، مالیزیا و برونای دارای منابع عظیم انرژی اند. به صورت مثال « مجموع ذخایر گاز این سه مملکت به 227 تریلیون متر مکعب تخمین زده شده است. حدود 30 در صد کارخانه های تولید برق این حوزه از برکت گاز فعالیت می کنند. در حوزه گاز خیز تنگوی اندونیزیا چنان منابع عظیم گاز وجود دارد

که تنها شرکت نفتی امریکایی - انگلیسی بی پی امکو⁴ حق استخراج 20 تریلیون متر مکعب آنرا تصاحب کرده است» (2).

با وجود آنکه غربیها به صورت رسمی اندونیزیا را منطقه نا امن، بحرانی و بی ثبات می دانند، با آنهم بازار نفت و گاز این منطقه به طور مکمل در دست کانسرنهای بزرگ امریکایی است. این کانسرنها از طریق حکومت اضلاع متحده امریکا پشتیبانی همه جانبه می شوند. واقعیت اینست که بعد از بحران اقتصادی ناشی از اضافه تولید که در سال 1997 میلادی از شش کشور "ببر های اقتصادی آسیایی" آغاز گردید و به اقتصاد اندونیزیا که خود یکی از این شش ببر است، به شدت صدمه رسانید، اضلاع متحده امریکا به شکل وسیع در تلاش آن برآمده تا منابع اقتصادی این کشور را قبضه نماید. از همین روست که شرکت های امریکایی شرکت های ورشکست شده صنعتی و تکنولوژی این منطقه را می خرند و در صدد آنند که مؤسسات اقتصادی حوزه جنوبشرق آسیا را که اهمیت کلیدی دارند از قبیل تلیکومونیکیشن، استخراج معادن و منابع انرژی، آبرسانی و غیره را به صورت مستقیم در دست گیرند.

تحت فشار اضلاع متحده امریکا اندونیزیا در نظر دارد که طی یک پلان وسیع هم منابع تامین گاز و هم راههای انتقال آن را از هم جدا کند. اندونیزیا و مالیزیا تنها دو کشور حوزه جنوبشرق آسیا اند که در آینده هم می توانند در استخراج نفت و به خصوص گاز اضافه تولید داشته باشند. اندونیزیا سالانه 28 ملیون تن گاز می فروشد که یک سوم حجم گاز فروش شده جهان را در بر گرفته و به صورت عمده به جاپان، کوریای جنوبی و تایوان صادر می شود (2). از سال 2005

میلادی به این طرف چین و هند هم هر کدام سالانه هفت میلیون تن گاز مایع از اندونیزیا وارد می کنند. چین دورنمای انکشاف بازار های نفت و گاز اندونیزیا را نظاره کرده، چشم به منابع انرژی این مناطق دوخته و در نظر دارد یک مقدار گاز طرف ضرورت نواحی جنوب خود را از حوزه جنوبشرق آسیا تهیه نماید. از این روست که چین در نوار ساحلی جنوب این کشور سه پروژه بزرگ تأسیسات بندری برای بارچالانی نفت و گاز اعمار می کند منجمله در ولایت گوانگدونگ. این نواحی از طریق پایپ لاین ها به حوزه های نفت و گاز خیز وصل می شوند، به مثابه نمونه پایپ لاینی به طول 3588 کیلو متر از حوزه جنوب چین شروع شده از طریق سنگاپور به اندونیزیا می رسد. هکذا در نظر است که تا سال 2020 میلادی پایپ لاین دیگری از حوزه گاز خیز اندونیزیا به طول 10000 کیلو متر اعمار گردد که به ده کشور آسیایی منجمله چین گاز برساند (2).

همچنین توجه بیشتر چین به کشور های آسیای میانه منجمله قزاقستان معطوف گردیده، که در آنجا با اضلاع متحده امریکا و فدراسیون روسیه در رقابت شدید افتیده است.

2-3- نگاه تیز چین به منابع نفتی قزاقستان

و خرید شرکت نفتی پتروقر⁵:

قزاقستان، این جمهوریت سابق شوروی حدود 39,6 میلیارد بیرل نفت و یا معادل⁶ آنرا (برای آسانی محاسبات ذخایر و استخراج نفت و گاز، انرژی گاز را با انرژی نفت در معادله می گذارند، به صورت مثال از سوختاندن 0,000032 متر مکعب گاز یک کیلو ژول انرژی بدست می آید که

⁵ PetroKaz

⁶ boe

معادل انرژی به دست آمده از 0,000024 کیلوگرام نفت می باشد.) به دسترس دارد (7). درین کشور که اقتصاد نفتی اش شگوفا شده و تا حال کشور های غربی و روسیه بالای آن در کشمکش روی تصاحب منابع نفتی آن بودند، اینک چین نیز وارد این میدان نبرد گردیده است. چون ذخایر نفت و گاز جهان به سرعت استخراج گردیده و روز تا روز کاهش می یابند، چین در نظر دارد که از منابع سرشار قزاقستان استفاده نماید. بنا بر آن چین که پس از اضلاع متحده امریکا دومین کشور بزرگ مصرف کننده نفت در جهان است، شرکت پتروکز را خریداری کرده و ساحه ای را که دارای 550 میلیون بیرل نفت است تصاحب نموده و به این صورت راه خویش را در منابع نفتی قزاقستان باز کرده است. بدین ترتیب چین به رقابت با ضلاع متحده امریکا و روسیه برخاسته است و در راستای این رقابت و به خاطر اهمیت همین قضیه است که صدراعظم چین در سال 2005 دو بار به قزاقستان سفر کرد.

شرکت نفتی چینیایی سی ان پی سی شرکت نفتی کانادایی پتروکز را که مرکزش در تورنتو (کانادا) و ساحه کارش در قزاقستان است، به قیمت بالا تر از ارزش آن که سایر شرکت های نفتی برای ذخایر نفت و گاز آن می پرداختند، خریداری کرد. همزمان با شرکت نفتی چینیایی، شرکت های نفتی روسی لوک اوپل⁷ و شرکت نفتی هندی او ان جی سی⁸ نیز علاقه مند خرید شرکت پتروکز گردیدند. چین با خرید شرکت نفتی پتروکز توسط سی ان پی سی به ارزش 4,18 میلیارد دالر قدمی بزرگ در معاملات نفتی در کشور همسایه اش به پیش گذاشته است (7). این معامله یکی از قیمتی ترین معاملات نفتی در آسیای میانه می باشد که به

Lukoil⁷

ONGC⁸

اساس آن شرکت سی ان پی سی روزانه 150000 بیرل نفت از مناطق مرکزی قزاقستان استخراج خواهند کرد (8). این حوزه های تولیدی حدود 1000 کیلو متر از سرحد چین فاصله دارند.

چون خریداری شرکت پتروقرز توسط شرکت سی ان پی سی در ستراتیژی انرژی چین قدمی به جلو در مقابل شرکت های نفتی غربیست، بنا بر آن دولت چین به شرکت های نفتی چینیایی از بودجه دولت کمک مالی می کند تا بعضی از مصارف این شرکت ها تامین گردد. از این روست که اتحادیه های قدرتمند نفتی میان شرکت نفتی پترو چاینا⁹ و سی ان پی سی به وجود آمده تا معاملات تجاری بین المللی را در بخش انرژی سمت دهی نمایند. خرید شرکت پتروقرز توسط شرکت سی ان پی سی از نظر ستراتیژی انرژی و جیوپولیتیک اهمیت بسزا دارد در حالیکه از نظر سرمایه گذاری بنا بر باور مفسران سیاسی اکنون اهمیت زیاد ندارد. زیرا ذخایر نفتی پتروقرز به طور اوسط در ظرف 6 سال و از پترو چاینا در ظرف 18 سال در قزاقستان به پایان می رسند (9). ولی اگر تفحصات و اکتشافات مزید شرکت نفتی پتروقرز امیدواری در مورد کشف ذخایر جدید را در قبال داشته باشند، چنانکه از قراین پیداست، در آنصورت تلاش غول های سرمایه در آنجا به خاطر تصاحب این منابع توسعه یافته و مبالغ هنگفت به سرعت سرمایه گذاری خواهد شد.

شرکت پتروقرز امتیاز تفحص و استخراج نفت را در ساحات وسیع و با کیفیت عالی و شرایط خوب در جریان خصوصی ساختن ثروت های قزاقستان در سال 1990 میلادی به دست آورده است. بر خلاف بسیاری شرکت های نفتی غربی، شرکت پتروقرز علاوه بر این یک تصفیه خانه

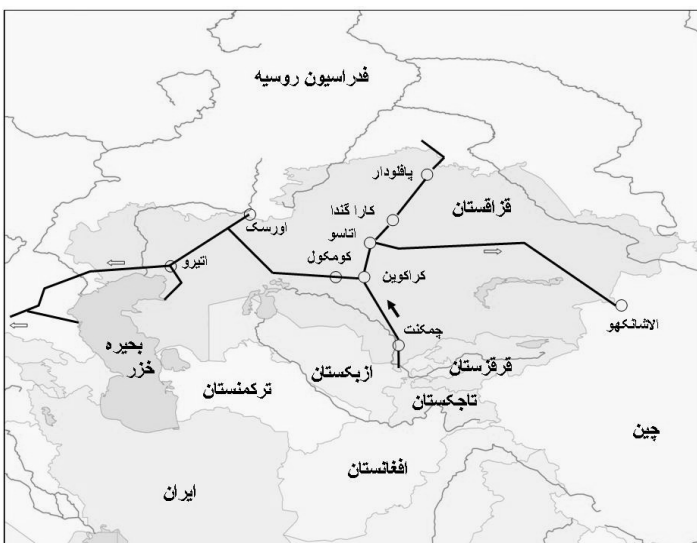
Petro China⁹

نفت را در منطقه چمکنت (شیمای 1) قزاقستان خریداری کرده و آنرا به سطح یکی از فابریکه های بزرگ تحویلدهی پترول و مشتقات آن در آن کشور انکشاف داده است. لذا این یگانه شرکت بزرگ خارجیست که بالای یکی از تصفیه خانه های بزرگ نفت قزاقستان تسلط دارد. با آنهم پتروکز تصمیم فروش شرکت را گرفت، زیرا از اداره چیان قزاقستان به خاطر آنکه شرکت پتروکز را سیاسی ساخته و می خواستند ملکیت آن را تغییر دهند، به ستوه آمده بود. نکته قابل مکت و مورد سوال درین قضیه آنست که آیا تصفیه خانه به دست مالک جدید یعنی شرکت سی ان پی سی قرار می گیرد و یا اینکه به دولت قزاقستان مسترد می گردد.

شرکت پتروکز حدود 390 میلیون بیرل نفت (به شمول معادل نفت) تثبیت شده در حوزه های نفت و گاز خیز قزاقستان در اختیار دارد در حالیکه شرکت یونوکال¹⁰ مالک 1754 میلیون بیرل نفت به شمول معادل نفت می باشد (9). مفسران سیاسی بر آنند که خریداری شرکت پتروکز بصورت کل 2 در صد ذخایر نفت و گاز قزاقستان را در اختیار شرکت های چینیایی قرار می دهد که این فقط یک بخش کوچک ضرورت انرژی درازمدت چین را رفع کرده می تواند. چنانکه از یک محاسبه ساده روشن می گردد، شرکت چینیایی با مبلغ 4,18 ملیارد دالری که برای شرکت پتروکز پرداخته است، بهای هر بیرل نفت برایش به طور اوسط 9 دالر تمام می شود (9) که در مقایسه با نرخ بازار که حدود 70 دالر است، بسیار ارزان است. ولی اهمیت مساله درین است که خریداری یک شرکت که امتیاز تفحص نفت و گاز و توسعه ساحه انکشاف آن را در

Unocal¹⁰

قزاقستان دارد، دست شرکت های چینی را به منابع عظیم ثروت آسیای میانه باز می کند. شرکت سی ان پی سی چینی از چندین سال بدین سو در قزاقستان فعالیت می کند. خریداری شرکت نفتی پتروقرز توسط این شرکت موجودیت شرکت های نفتی چینی را در قزاقستان استحکام بخشیده و پایه هایشان را در دو حوزه عمده نفتی قزاقستان و دو تصفیه خانه نفت و پایپ لاین 246 کیلو متری اتاسو-الانشانکهو مستحکمتر می سازد (شیمی 1).



شیمی 1:

پایپ لاینهای برنامه شده قزاقستان منجمله از قزاقستان به چین.

شرکت پتروقرز همچنان در اعمار پایپ لاین بزرگ نفت بخش غرب قزاقستان که مرحله اولی آن شامل 980 کیلو متر می شود علاقه مندی دارد. بخش اعمار شده این پایپ

لاین حوزه های نفتی پتروکز را در اتاسو به دو تصفیه خانه نفت سی ان پی سی در نزدیکی های الاشانکهو در خاک چین وصل می کند و همین اکنون مورد استفاده قرار دارد. بخش اول این پروژه حوزه های نفت و گاز خیز غرب قزاقستان را به این پایپ لاین متصل می سازد.

همچنین شرکت نفتی سی ان پی سی و شرکت نفتی دولتی قزاقستان قزمونی گاس¹¹ در سال 2005 برنامه ریزی کردند که پایپ لاینی را به طول 1000 کیلو متر از منطقه کومکول قزاقستان تا اورومچی در شمالغرب چین اعمار کنند. این پایپ لاین روزانه 200000 بیرل نفت را انتقال می دهد (8). شرکت سی ان پی سی در نظر داشت که از پایان سال 2006 میلادی به بعد از این طریق نفت ملکیت پتروکز را به چین برساند. این پایپ لاین می تواند مورد استفاده شرکت نفتی روسی لوک اویل که معامله دار شرکت پتروکز در حوزه کومکول است، هم قرار گیرد. همچنین روسیه و هند با قزاقستان و چین در حال مشاوره در مورد استفاده از این پایپ لاین اند. روسیه می خواهد از این طریق به چین نفت صادر کند و هند می خواهد خود را به این پایپ لاین پیوند زند.

3-3. خرید شرکت نفتی یونوکال :

شرکت نفتی چینیایی سی ان او او سی در نظر داشت شرکت بزرگ امریکایی یونوکال را در امریکا به قیمت ماجراجویانه 18,5 میلیارد دالر امریکایی خریداری نماید، ولی کارتل های نفتی غربی مانع آن گردیدند (9). همچنین شرکت نفتی چینیایی سی ان پی سی می خواست که شرکت یونوکال را خریداری نماید. اگر این معامله صورت می گرفت، آن وقت شرکت سی ان پی سی در قطار بزرگترین

KazMunai Gaz¹¹

شرکت های نفتی بین المللی جهان شامل می شد، به خاطر آنکه مالکیت چین در ذخایر ماورای بحار به خصوص در اضلاع متحده امریکا ارتقاء می یافت. ولی این معامله صورت نسبت و شرکت نفتی یونوکال را شرکت نفتی امریکایی چفرون به ارزش خیلی پایین تر خریداری کرد. اندیشه مخالفان امریکایی فروش شرکت نفتی یونوکال به شرکت سی ان او او سی چینایی در ظاهر به خاطر این بود که گویا گروپ چیناییها در ماورای بحار، به ویژه در اضلاع متحده امریکا، حضور نداشته و تجارب آن کشورها را ندارند. ولی مفسران سیاسی را عقیده بر آنست که کشور های غربی و در رأس شان اضلاع متحده امریکا مجدانه می کوشند که از پیشروی شرکت های چینایی در حوزه های نفتی آسیای مرکزی، حوزه خلیج فارس، ماورای بحار و غرب افریقا جلوگیری نمایند. به همین دلیل بود که شرکت نفتی یونوکال به شرکت نفتی چفرون که یک شرکت غربی می باشد به قیمت خیلی نازلتر از نرخى که چینایها به پرداخت آن حاضر بودند، فروخته شد.

با در نظر داشت اینکه شرکت نفتی دولتی سی ان پی سی در سال 2004 میلادی به ارزش 70 میلیارد دالر نفت و گاز به فروش رسانیده است، از درک ملکیت ذخایر و استخراج نفت و گاز در ردیف یکی از دهمین شرکت های بزرگ نفتی جهان قرار گرفته است. به علاوه با در نظر داشت اینکه شرکت سی ان پی سی مبلغ بیشتر از 13 میلیارد دالر پول نقد ذخیره دارد، قدرت خرید آن زیاد است. بنا بر باور مفسران سیاسی ستراتیژی توسعه مزید سی ان پی سی که یکی از کلانترین شرکت های نفت و گاز چین است، توانمندی آنرا دارد که رشد چشمگیر اقتصاد چین را از بابت نیاز نفت و گاز مرفوع نماید. این شرکت بزرگترین ذخایر دارایی نقدی را در چین صاحب است. ولی در سالهای

اخیر تولیدات نفت و گاز این شرکت در حوزه های وسیع نفت و گاز خیز داخلی، در رقابت با منابع نفت و گاز خارجی، کاهش یافته است. این شرکت نفتی تصفیه خانه های بزرگ نفت داشته و بدین سبب نفت خام وارد می کند که این تصفیه خانه ها را فعال نگه دارند. آنچه را که شرکت سی ان پی سی از خرید شرکت پتروکز در نظر دارد، با آنچه که شرکت سی ان او سی از خرید شرکت یونوکال (که موفق نه شد)، در نظر داشت، فرق دارد. شرکت سی ان او سی که بیشتر در سواحل بحار به صورت وسیع به استخراج نفت و گاز مصروف است، نظر به شرکت سی ان پی سی کوچکتر است و مضاف بر این رقیب چینیایی در منطقه دارد بنام سینوپک. شرکت سی ان او سی در نظر داشت به مناطق نفت و گاز خیز خلیج مکزیکو نیز دست یابد.

بازاریابی های چین برای خرید نفت و گاز، حتی در ماورای بحار نشاندهنده آنست که شرکت های نفتی ملی چین به تاسی از فرمان عاجل دولت در تلاش افتیده اند تا منابع نفت و گاز را در خارج از کشور تحت کنترل آورند. از این روست که شرکت های نفتی چین از عهده پرداخت مبالغ هنگفت برای خریداری شرکت نفتی پتروکز در آسیای میانه و یونوکال برآمده می توانند.

این همه تلاش چین برای بدست آوردن منابع انرژی به خاطر آن صورت می گیرد تا کاهشی در سرعت حرکت چرخ های اقتصادی آن کشور که به مدد نفت و گاز ممکن می گردد، پدید نیاید. ورنه این کمبود پیشرفت اقتصادی این کشور و کشور های آسیای شرقی را به کندی خواهد کشاند.

4.3. شهر جدید نفتی :

چین در نظر دارد، که در مقابل شهرهای نفتی چون کویت، طهران، هیوستون، سنگاپور و غیره که نماهاییست از جهانی شدن جنگ‌هایی که زیر چتر نفت طراحی می‌شوند، شهر جدیدی بنا کند تا از کشمکش‌های کشورهای غربی در امان باشد. این رقابت‌ها که به خاطر اقتصاد نفتی به راه افتیده‌اند و در بخش اول این نوشته تذکری از آنها رفت، بر همه هویدا ست، حتی برای آنانیکه که معلومات کمتری در مورد این ماده، که چرخ‌های اقتصادی جهان را به حرکت می‌اندازد؛ دارند.

شهر نفتی را که چین می‌خواهد بنا کند و اینک در پهلوی شهرهای پر آوازه معاملات نفتی قد برافراشته و خودنمایی می‌کنند همبانتوتا نام دارد و به خاطر اهمیت جیوپولیتیک آن در معاملات و معادلات نفتی سر زبانها افتیده است (3). این شهر در بخش جنوبی یکی از جزایر فرامش شده از مجمع‌الجزایر سریلانکا در بحر هند قرار دارد (شیمای 2). این جزیره به شهری انکشاف می‌یابد که در آن بارگیری و انتقال نفت صورت می‌گیرد، تا عطش سیری ناپذیر اقتصاد چین را از رهگذر نفت رفع نماید. منطقه همبانتوتا که حدود 1200 کیلو متر مربع وسعت دارد یکی از آخرین مناطق دست‌نخورده آسیا می‌باشد، که از نظر اقتصادی در خواب عمیقی فرو رفته بود و در آن حیوانات وحشی در عالم صلح با هم می‌زیستند و دانشمندان بیولوژی به تحقیق در مورد آنها مصروف بودند. اما این حیوانات باید بزودی جا را برای گول‌های نفتی و تصفیه‌خانه‌های نفت؛ خالی کنند.

شرکت‌های دولتی غولپیکر چینی زینوپیک و سی‌ان‌او او سی پروژه‌ای به ارزش دو میلیارد دالر طرح کرده‌اند که این جزیره را در عمل به حیث مستعمره مؤثر برای اقتصاد

چین تغییر می دهد. گویا یک هانکانگ دیگر می سازد که به قول سرمایه گذاران، این پروژه یکی از غربیترین مناطق جهان را که به سرمایه گذاری اشد ضرورت دارد، بوجه مثبتی تحول خواهد داد (3). بعد از آنکه چین این قرارداد را امضاء کرد، ایالات متحده هم موافقتنامه را با سریلانکا منعقد کرد که به موجب آن امریکا حق استفاده از بنادر سریلانکا را برای مراقبت و بارگیری کشتیها و طیارات و کمک های نظامی و برای گذراندن تعطیلات عساکر امریکایی پیدا کرده است.

فهم طرح چین خیلی ساده است و آن اینکه چین می خواهد با این طرح مشکل خویش را از بابت نفت که اینک قیمت آن زیر تأثیر "جنگ با تروریزم" خیلی بالا رفته، رفع نماید. این پروژه که جزئی از یک ستراتیژی بزرگ است، شیمای اقتصادی آسیا را از اساس دگرگون خواهد ساخت (3). در اثر این تحول از یک جانب راه های عبور و مرور تانکرهای نفتی در جنوب آسیا از کنترل اضلاع متحده امریکا تا حدودی خارج می گردد و از جانب دیگر اقتصاد سودجویانه بعضی کشور های همپیمان اضلاع متحده امریکا را صدمه جدی می زند. به صورت مثال استرالیا را که اقتصاد آن به تجارت با کشور های شمال آسیا متکیست و از آن سود فراوان به جیب می زند.

چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا که همسایگان چین اند مثل جاپان، تایوان و کوریای جنوبی از سالیان متمادی به صورت معمول ضرورت نفت خود را توسط تانکرهای بزرگ که از منطقه خلیج فارس بارگیری می شد؛ رفع می کردند. این تانکر ها به امتداد سواحل غربی هند از ناحیه سریلانکا در بحر هند گذشته از باریکه آبی (آبراهه، تنگنای) مالاکا که منطقه پنینولای مالیزیا را از جزیره سوماترای اندونیزیا جدا می کند (شیمای 2) گذشته، به

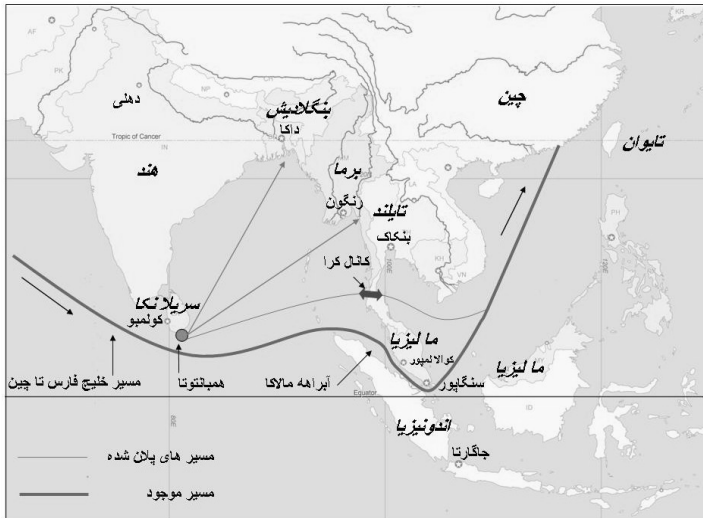
تصفیه خانه های سنگاپور انتقال می یابند. بعد از آن تانکر ها راه خویش را به سمت شمال، جانب کشور های شمالشرقی آسیا پیش می گیرند. از جانب مقابل محصولاتی که به کمک نفت تولید می شوند مثل موتر، کمپیوتر، منسوجات و غیره از این مسیر به بازار های فروش سرازیر می گردند.

اما این آبراهه مالاکا برای حمل و نقل نفت پر خطر است و این خطر از جانب اضلاع متحده امریکا را دولت چین، جاپان و کوریای جنوبی به خوبی درک کرده اند. دفتر بین المللی بحریمایی زیر فشار اضلاع متحده امریکا می گوید، که این باریکه یکی از خطرناکترین محلات دزدان بحری و اعمال کشتی ربایی می باشد. اضلاع متحده به همین بهانه تمسک جسته و ادعا دارد که آن کشور در جنگ با تروریزم مصروف است و دریافته که القاعده از طریق شرکای "جماعه اسلامیة" می تواند تانکر ها را به سادگی بریاید، مناطق ساحلی را تصرف نموده و این شریان تجارت بین المللی را مسدود سازد. ازین سبب است که اضلاع متحده مذاکراتی را با مالیزیا، سنگاپور و اندونیزیا به این بهانه به راه انداخته، که گویا آنان را ازین خطر نجات می دهد. در جریان مذاکرات، به همان روش عمومی اضلاع متحده امریکا، توافق به عمل آمد که قوای بحری امریکا درین باریکه گز مه نماید. در نتیجه اضلاع متحده امریکا می تواند ازین آله فشار به مثابه چماقی استفاده کرده و هر زمانی که خواسته باشد، آنرا به فرق رقبای اقتصادی خویش حواله کند. چون دولت چین نمیخواهد که قوای امریکا در نزدیکی آبهایش بیایند، به خاطر اهمیت مسایل تجارتی خامشی اختیار کرده و از طرق دیگر به همراهی جاپان و کوریای جنوبی فعالیت می کند؛ به صورت مثال از طریق اعمار کانالی در خاک تایلند که اوقیانوس آرام و بحر هند را به هم وصل می

کند و درجه اهمیت کانال پانامه را حایز خواهد گردید (شیمای 2).

5-3- حفر کانال کرا و جست و جوی راههای دیگر انتقالاتی نفت و گاز :

هدف این پروژه آنست که در حوزه کرا استموس که مناطق هند و چین را به مالیزیا و سنگاپور وصل می کند در ساحة فوکت کانالی حفر نماید، تا مشکلی را که در مورد باریکه مالاکا وجود دارد، حل نماید. طوری که کشتی های تجارتی به جای آنکه از جنوب سنگاپور گذشته، حوزه های جنوبی را تا رسیدن به چین، تایوان یا کوریای جنوبی عبور کنند، در آینده به صورت مستقیم از خلیج تایلند گذشته به سمت شمال ویتنام موصلت نمایند (شیمای 2).



شیمای 2:

مسیر های پلان شده و موجود انتقال مواد نفتی از شرق میانه به چین.

گر چه جزییات این طرح هنوز افشاء نگردیده، ولی با آنهم این پروژه مایه حیرت کشورهای آسیایی و موجب نگرانی های اضلاع متحده امریکا شده است. در هر حال این طرح، عظیمترین پروژه جهان است که مصارف آن به 30 میلیارد دالر تخمین زده می شود (3). کانال کرا که در باریکترین ساحه منطقه استموس تایلند حفر می گردد 42 کیلو متر طول دارد (طور مقایسه : کانال پانامه 80 کیلو متر طویل است). نفت شرق میانه از طریق این کانال در ظرف 5 تا 6 روز به شمالشرق آسیا می رسد که از یک جانب صرفه جویی قابل ملاحظه ای را در امور حمل و نقل نفت ممکن می گرداند و از جانب دیگر قدرت مانور اقتصادی و نظامی اضلاع متحده امریکا را در منطقه در رابطه با تجارت نفت، کاهش می دهد.

هرچند طراحان این پروژه بدین باور اند که تطبیق آن در چنین منطقه عقب مانده ای، زمینه کار و رشد اقتصادی حوزه را موجب می گردد و پشتیبانی کشور های غنی منطقه چون جاپان، کوریای جنوبی و تایوان را هم در قبال دارد. ولی چنانکه تجارب کشور های شرق میانه، آسیای مرکزی، امریکای لاتین و غرب افریقا نشان می دهد، در شرایط عدم موجودیت دولت های ملی، دست کمپنی های نفتی بیشتر از پیش در مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی این کشور ها باز گردیده، به خاطر تامین منافع شرکت های بین المللی نفتی، منافع ملی این کشور ها صدمه سنگینی دیده و زمینه اقتدار دیکتاتور ها بیشتر از پیش مساعد می گردد. درین میانه با تطبیق این پروژه کشور های مالیزیا و سنگاپور که هر دو حیثیت مرکزیت صنایع حمل و نقل نفت را حاصل کرده اند، متضرر می گردند و تا حدودی هم اندونیزیا خساره مند می شود. حفر این کانال همچنین برای دولت تایلند، از آن خاطر درد سر آور است که درین کشور

به صورت عمده بودیستی تعدادی از مسلمانانی زندگی دارند که یک جامعه اسلامگرای در حال توسعه را در نواحی جنوبی تایلند در نزدیکی مالیزیا، می سازد. بسیاری ازین مسلمانان در دور و نواح همین منطقه کرا استموس زندگی دارند. با چنین یک تغییر ناگهانی در باریکترین منطقه استموس در جایی که بر حسب منطق کانال باید حفر گردد، خط فاصلی بین مناطق بودیستی و مسلمان نشین کشیده می شود که این خط در واقع باعث بروز یک سرحد غیر رسمی شده می تواند. بنا بر آن این کانال که خاک تایلند را به دو بخش تقسیم کرده و خط فاصل و مؤثر سیاسی را خواهد ساخت، دولتمداران تایلند را در بنکاک هراسان ساخته است. به دلیل اینکه با حفر این کانال مسلمانان آن کشور در جنوب تایلند به انزوا کشانیده می شوند.

در سال های 2004 و 2005 میلادی در همین نواحی سلسله ای از بمبگذاریهای ناشی از ترور سیاسی - مذهبی به وقوع پیوست که باعث ازدیاد زد و خورد میان فرقه های سیاسی - مذهبی گردیده و قربانیانی از خود به جا گذاشت. جالب توجه است که اضلاع متحده امریکا اتفاقات این بخش تایلند را در برنامه های اسامه بن لادن در شبکه به هم پیوسته القاعده با "جماعه اسلامیة" اندونیزیا قلمداد می کند، که گویا این روابط در بمبگذاریهای جزیره بالی در اندونیزیا و اهداف بمبگذاران در سنگاپور، افشاء گردیده است. این شبکه القاعده گویا تمامی نواحی کشور های اسلامی را از تایلند تا مالیزیا، اندونیزیا و تا کشور تیمور احتواء می کند. این شبکه در صدد آن است تا اسلام سیاسی را تقویت کرده و زمینه به وجود آمدن یک کشور کوچک اسلامی را در جنوب تایلند آماده کند. با توجه به اینکه جنگ مسلمانان تایلند بر ضد دولت مرکزی ادامه دارد، زمینه بروز جنگ های دیگر توسط شرکت های نفتی به خاطر منافع خود شان بعید

از امکان به نظر نمی‌رسد. درین صورت دول اضلاع متحده امریکا و چین به حیث رقبای منطقه بی در خفاء و برملاء درین جنگ هیزم خواهند کشید.

در هر صورت کانال کرا، یک راه به طور نسبی طولانیست ولی به هیچ صورت از تلاش کشور های ذی‌علاقه منجمله چین بعید نمی‌ماند و این خود ضرورت مبرم آن کشور را به نفت نشان می‌دهد. علاوه بر این چین تلاش دارد تا رساندن نفت را به کشورش به هر اندازه که ممکن باشد، از راههای دیگر تامین کند و در صدد آن است که امکانات امنیتی به وجود آورده و وابستگی اش را از نفت شرق میانه و راه های پرخطر تجاری آن تا حدود ممکن تقلیل دهد. این راههای انتقالی بی مخاطره راهیست که از شمالغرب و جنوبغرب به چین منتهی می شوند، مثل راههای آسیای میانه، افغانستان، برما، بنگله دیش و غیره.

از همین روست که تیم های زمینشناسان چینی در کشور های آسیای میانه، افغانستان، برما، بنگله دیش و غیره در جست و جوی راههای تامین منابع نفتی اند (3). در دو کشور اخیرالذکر تحقیقات جریان دارد، که زمینه اعمار یک پایپ لاین را به نواحی جنوب چین، جایی که اقتصاد آن در حال شگوفایی است، مطالعه نمایند. همچنین اعمار خطوط طولانی پایپ لاین در آسیا که از روسیه، آسیای میانه، افغانستان تا پاکستان و شرق میانه می رسد، جزء این برنامه اند. علاوه بر این چین در نظر دارد تا از همبانتوتا در جنوب سریلانکا در همان زاویه ای که کشتی های نفتی سمت حرکت شان را که از بحیره عرب استقامت گرفته اند، به طرف شرق تغییر می دهند، امکانات بار گیری نفتی را بوجود آورد. این برنامه هم جزء همان پلان عظیمی است که نفت را به مناطق صنعتی جنوب چین می رساند.

نزدیکی چین با برما را نیز می توان در همین استقامت، مثال آورد. طرح دوستی این دو کشور باعث آن گردیده که پیمان کشور های آسیایی بر افروخته گردد. زیرا این پیمان برما را به خاطر آن به آغوش کشیده، تا از نفوذ روز افزون چین در شمال برما جلوگیری نماید. در حالی که در شمال برما تاجران چینی در همه جا به چشم می خورند و پل هایی را که جنوب چین را از طریق برما به بنادر بحر هند وصل می کنند، ترمیم کرده و یا از نو آباد می کنند (3). شهر ساحلی مندلای دومین شهر برما می باشد که به یک شهر جدید و مدرن با آسمان خراش ها توسط چین بازسازی گردیده است.

این مثالها تلاش چین را برای تامین انرژی به عنوان مشت نمونه ای از خروار، نشان می دهد که از جزییات و طول و تفصیل بیشتر آن صرف نظر به عمل می آید.

4- تقابل اقتصادی و تشابه سیاسی ابر قدرت ها :

چنانکه روشن گردید، اینک چین در سطح جهان به مثابه یکی از بازیگران مرکزی امور جهانی منجمله قضایای اقتصادی و سیاسی و به خصوص در تعیین قیمت نفت و گاز به حیث قدرت جهانی قد بر افراشته و قواعد و نورم های منطقه یی و بین المللی جهان غرب را بدون درگیری نظامی، صرف به خاطر اهداف اقتصادی خویشتن خویش پیوسته زیر سووال برده و به زعم خود قاعده و نورم می آفریند (5) و نقش خود را در سطح اقتصاد و سیاست جهان تثبیت می کند. به عنوان مثال بعد از آنکه کشور های غربی ارجننتاین را به خاطر گریز از پرداخت قرضه هایش نکوهش کردند تا درسی برای کشور هایی شود که از پرداخت قرضه اباء می ورزند، به صورت فوری چین

وارد صحنه شده، برای ارجنتاین قرضه داده و اقدام کشور های غربی را نقش بر آب ساخت (6).

به باور مفسران سیاسی، پیشرفت اقتصاد چین که نفت و گاز رکن عمده آنست، برای کشور های منطقه و کشور های غربی دو نقصان بزرگ به بار آورده است :

اول : چین سایر کشور ها منجمه کشور های آسیایی را برای رقابت گسترده و عظیم اقتصادی به مصاف طلبیده. زیرا که بازار های این کشورها که در آن تولیدات جاپان و کشورهای غربی به فروش می رسد، از دیربست برای تولیدات چین جا خالی می کنند.

دوم : بازار کار در سنگاپور و مالیزیا به کساد می رود، به خصوص در بخش صنایع متوسط و پیشرفته تولیدی که نمیتوانند در برابر سرعت روز افزون توسعه اقتصادی چین رقابت و مقاومت نمایند. به ویژه که مزد کارگران چینی در مقایسه با کارگران دیگر کشور های آسیایی منجمه مالیزیا و سنگاپور، بسیار پایین است.

نفوس زیاد و مزد کم زمینه آنرا مساعد ساخته که چین بتواند اشیاء را زودتر و ارزانتر در مقایسه با رقبای خود تولید کند. کارگران چینی که در فوجیان و شینشن به سرعت تربیه می شوند، به جاهای دیگر به حیث کارگران صنعتی به کار گماشته می شوند. همین اکنون حدود صد ملیون کارگر حرفه پی آماده آند که در نقاط مختلف چین به کار استخدام شوند. این اوضاع و احوال باعث آن گردیده که نرخ تولیدات در سایر کشور های صنعتی به شکل دوامدار پایین بیاید، تا بتواند در مقابل تولیدات چین رقابت نماید. ازینروست که اقتصاد جهان به اقتصادی که چین آنرا به خود وایسته کرده، منوط گردیده است.

بنا بر آن در رابطه با جهش اقتصادی چین، کشور های منطقه سیاست های جدید اقتصادی تدوین کرده اند، تا در

مقابل هجوم اقتصادی این کشور مقابله نمایند. به صورت مثال تایلند و کشور های همسایه آن در صدد ارتقای توریزم اند. در حالیکه سایر کشور های منطقه راه پیشرفت تکنیکی را در پیش گرفته اند. از آن جمله فیلیپین که حیثیت مرکز تلیکومونیکیشن منطقه را پیدا کرده. کوریای جنوبی که حدود 70 فیصد نفوس آن با شبکه های فراه الکترونیکی متصل می باشد، جامعه است که بزرگترین شبکه الکترونیکی را دارا می باشد و اکنون حیثیت سلینکن فلی (مرکز توسعه کمپیوتری امریکا) را پیدا کرده است. کشور های مالیزیا و سنگاپور پول های هنگفتی را در تحقیقات علمی و صنایع متکی به این تحقیقات سرمایه گذاری می کنند. سنگاپور در تکنالوجی صنایع متوسط، پیشرفت های چشمگیری کرده است تا بتواند در برابر چین رقابت نماید.

در هند که کشور دوست چین به حساب نمی آید، توسط سرمایه گذاران از کشور های جنوب شرق آسیا سرمایه گذاری به مثابه رقابت با چین صورت می گیرد. زیرا هند با حدود یک میلیارد جمعیت بازار بزرگ فروش است. همچنین ناظران بدین باورند که اگر بین هند و پاکستان صلح برقرار گردد، در این صورت کتله آسیا به صورت قاره ای چنان بهم پیوسته خواهد شد، که رشد آن باعث به وجود آمدن بازار مشترک آسیایی که بر پاهای خود استوار باشد، می گردد. ولی عده ای دیگری را عقیده بر آن است، که آسیا فقط یک کشور است که چین نام داشته و در همه جا حضور دارد و خواهد داشت.

همچنین سیاست روسیه در مورد چین بر اساس خوف و سازش بناء یافته است. اگر اضلاع متحده امریکا منافع روسیه را تهدید نماید، روسیه با چین نزدیکتر می شود. در غیر آن روسیه از انکشاف چین در هراس است. به صورت مثال "روسیه اعمار پایپ لاین جدیدی را پلان کرده

بود بدون آنکه نقطه انجام آنرا تعیین کرده باشد و معلوم نبود که آنرا به خاک چین برساند و یا به سرزمین جاپان. سرانجام روسیه بر آن شد که پایپ لاین را برای جاپانیها اعمار کند. به باور مفسران غربی روسیه نمیخواست با اعمار پایپ لاین برای چین و تدارک انرژی زمينه بیشتر رشد اقتصادی چین را موجب شود، که این خود خطری برای فدراسیون روسیه پنداشته می شود" (1).

بدین ترتیب چین به خاطر برتری طلبی به عنوان قدرت جهانی عرض وجود کرده و آگاهانه به خاطر عطش انرژی به ساحه نفوذ کشورهای غربی و در رأس آن اضلاع متحده آمریکا رخنه می کند. چین نفوذ کشورهای غربی را در آسیا، افریقا و امریکای لاتین تلاش امپریالیستی به خاطر تسخیر جهان می داند ولی خود در عین مسیر طی طریق می کند. همچنان کشورهای غربی و در رأس آن اضلاع متحده آمریکا، چین را ناقض حقوق بشر و ضد دیموکراسی می خوانند و این در حالیست که کشورهای غربی و اضلاع متحده خود چه در عصر استعمار کهن و چه در عصر حاضر مرتکب بزرگترین جنایات در برابر بشریت شده و هنوز هم می شوند. بمباران عراق و افغانستان و زندانهای آمریکا در این دو کشور به اضافه زندان گوانتانامو، مثالهای کوچک و زنده نقض حقوق بشر اند. همچنان کشورهای غربی چین را متهم می کنند، که تلاش دارد تا آمریکا و اروپای غربی را به خاطر منافع خود از هم متفرق سازد، در حالیکه کشورهای غربی هم چنین کاری را در برابر سایر کشورهای انجام داده اند و هنوز هم می دهند، به خصوص که اگر مسأله نفت در میان باشد. به عنوان مثال کشورهای غربی و استرالیا به مقصد عقب زدن و پیشگیری از نفوذ چین در منطقه نفت و گاز خیز تیمور شرقی، در یک مانور سیاسی و نظامی پیشگیرانه، تیمور

شرقی را از پیکر واحد اندونیزیا جدا کرده، بلافاصله عساکر استرالیایی در آنجا مستقر شده و یک رژیم دست نشانده را به وجود آوردند و بلادرنگ حق استخراج نفت و گاز این کشور به استرالیا داده شد. تنها در نوار ساحلی تیمور شرقی منابع نفت و گاز به ارزش بالاتر از صد میلیارد دلار، تخمین زده شده است.

برخورد سیاسی چین با کشورهای جهان سوم از برخورد رقبایش فرق زیاد ندارد، به صورت مثال اگر کشورهای غربی و در رأس آن اضلاع متحده آمریکا رژیم های مستبدهی چون محمد رضاء شاه در ایران، پینوچه در چیلی، مارکوس در فیلیپین، سوهارتو در اندونیزیا و دهها رژیم مستبد و خودکامه را در آسیا، افریقا و امریکای لاتین بر دوش خلق ها سوار کردند و هنوز هم به اموری بدتر از آن مشغولند. و اگر اتحاد شوروی سابق و فدراسیون روسیه، رژیم های خونریزی چون تره کی، امین، ببرک و نجیب را بر مردم افغانستان تحمیل کرده و به گونه مثال قذافی را در لیبیا و اسد را در سوریه سالهای متمادی به خاطر منافع خود پشتیبانی کردند، اینک دولت چین هم به خاطر اهداف اقتصادی خویش از رژیم های سفاکی چون البشیر در سودان، نظربایف در قزاقستان، مشرف در پاکستان و غیره حمایت سیاسی می کند.

5- چین و پروژه پایپ لاین افغانستان :

اژدهای نو خاسته اقتصاد چین که اینک حلقوم باز کرده، برای تسکین آشتهای سیری نا پذیر خویش به هر سو دهن می اندازد. چشمان خرس قطبی فدراسیون روسیه با اقتصاد زخمی، دل سیاه و موهای سپید همراه با غول اقتصادی و نظامی بی یال و دم اضلاع متحده آمریکا از تماشای این اژدهای حیرت انگیز و از جست و خیز هایش

از حلقه بیرون آمده اند. اژدها و غول چنگ و دندان تیز می کنند و خرس قطبی زخمی از دور برین بازی اژدهای عطش زده و غول مست به تماشا نشسته، لختی برین یکی و زمانی بر آن دیگری غر زده، لنگ و لنگان گاهی به پیش و زمانی به عقب راه می کشد. دیربست که این هر سه برای مقابله با یکدیگر از دور و نزدیک ژاژ خایی دارند و چنگ و دندان تیز می کنند. تقابل این موجودات سیری ناپذیر در کارزار ستراتیژی انرژی و جیوپولیتیک اثرات منفی بالای جهان و به خصوص کشورهای آسیایی منجمله افغانستان خواهد داشت. زیرا چین از یک جانب با پاکستان و ایران مناسبات دوستانه دارد و از جانب دیگر اضلاع متحده آمریکا با پاکستان دوستی ولی با ایران دشمنی دارد. بنا بر آن ممکن است که چین با پاکستان و ایران به توافق برسد و فدراسیون روسیه بر این توافق صحه گذارد و پایپ لاین آسیای میانه را از طریق ایران به پاکستان و از آنجا به چین برسانند و این لقمه چرب را مطابق به قانون جنگل اژدها از دهن غول برباید. دو عامل برجسته درین احتمال نقش خواهند داشت. یکی اینکه فدراسیون روسیه که با ایران نزدیک است و با چین در خوف و رجا به سر می برد، ترجیح خواهد داد که چین وارد معامله شود تا در شرق میانه با کمک فدراسیون روسیه و ایران جای پای بیشتر باز کند و در آسیای میانه در برابر اضلاع متحده آمریکا بایستد. دوم اینکه با شرکت هند درین معامله نقش پاکستان و آمریکا را تقلیل دهد. در این صورت نوکران بومی ایران، روسیه و هند در افغانستان خرسند خواهند شد. احتمال دیگر اینکه غول بر اژدها فایق آید و پایپ لاین را از طریق افغانستان به پاکستان و بحر هند وصل کند. درین صورت نوکران آمریکا در افغانستان شاد خواهند گردید. درین بازی آنچه مهم است میدان این مسابقه است که افغانستان نام دارد.

نوکران این بازیگران که از قبل در صحنه سیاسی افغانستان وارد میدان شده اند، چنگ و دندان تیز کرده در انتظار اربابان خویش روز شماری می کنند. قربانی این بازی های سیاسی و اقتصادی را نه بازیگران و نه هم نوکران آنها، بلکه مردم مظلوم افغانستان خواهند پرداخت. چگونگی این قدرت نمایها و سیر احتمالی این کشمکش ها در رابطه با پروژه پایپ لاین افغانستان در بخش سوم این نوشته به تفصیل مورد مذاقه قرار می گیرد.

6- منابع

- (1) China Intern, Wirtschaft, Menschenrechte, Kultur (2004): China und kommende Ölkriese, 07.02.2004.
- (2) Trempel. E., J. (2000): Perspektiven Indonesiens im Energiebereich – China wird Abnehmer. Erste Ergebnisse der Messe Öl & Gas, September 2000, Jakarta. Vortrag vor der Länderausschusssitzung des Asien-Pazifik-Forums, Berlin, 3. November 2000, IPK, Fraunhofer Institut.
http://www.chinaproject.de/Energiewirtschaft/Oil_and_gas.htm
- (3) Australian, the (2004): The rise and rise of China. 19.06.2004. Item: 200407191B02531821.
- (4) Schiller, B. (2005): Open Democracy. China als Weltmacht. Weltordnung, Nord-Süd.
<http://www.blog.zeit.de/kosmoblog/?p=166>
- (5) Leverett, L. & Jeffrey, A. (2005): Wachsenden Konkurrenz. China als Weltmacht. Weltordnung, Nord-Süd.
<http://www.blog.zeit.de/kosmoblog/?p=166>

- (6) Frank, J. (2005): Cantor hypocrisy. China als Weltmacht. Weltordnung, Nord-Süd.
<http://www.blog.zeit.de/kosmoblog/?p=166>
- (7) FINANCIAL TIMES, USA (2005): Chinese oil group in \$4bn deal for rival, p. 1, 23.08.2005.
- (8) FINANCIAL TIMES, USA (2005): China takes a great leap forward into its neighbour's oil business. p. 17,
23.08.2005.http://www.chinaintern.de/article/Wirtschaft_Hintergrundberichte/1088085090.html
- (9) FINANCIAL TIMES, USA (2005): Expensive offer with an eye to Kazakhstan's wealth in reserve, p. 17, 23.08.2005.
- (10) Spiegel Special (2006): Kampf um Rohstoffe. Die knappen Schätze der Erde. Nr. 5.